



به بهانه سالگرد آغاز قیام امام خمینی(ره) به تقویم قمری؛ این است، آن چیزی که ملت ایران باید مراقبش باشد

در زمان رژیم طاغوت مسائل بسیاری وجود داشت که هریک مستقلاً می‌توانست ملتی را علیه آن دستگاه شوم به حرکت وادارد، اما یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های قیام امام خمینی(ره) و همراهی مردم ایران با آن انسان والامقام، این مسئله بود که آمریکائی‌ها با سوءاستفاده از ضعف شخصیت شاه و دولت مردان آن رژیم، (مصونیت قضائی اتباع آمریکا یعنی «کاپیتولاسیون») را به ملت ایران تحمیل کردند.

نویسنده : رضا صابری خورزوقی

در زمان رژیم طاغوت مسائل بسیاری وجود داشت که هریک مستقلاً می‌توانست ملتی را علیه آن دستگاه شوم به حرکت وادارد، اما یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های قیام امام خمینی(ره) و همراهی مردم ایران با آن انسان والامقام، این مسئله بود که آمریکائی‌ها با سوءاستفاده از ضعف شخصیت شاه و دولت مردان آن رژیم، (مصونیت قضائی اتباع آمریکا یعنی «کاپیتولاسیون») را به ملت ایران تحمیل کردند.

* کاپیتولاسیون چیست؟

قریب به یقین خواننده گرامی خوب می‌داند «کاپیتولاسیون» چیست، اما از باب یادآوری نکاتی را عرض می‌کنیم:

* مقدمه:

بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از اینکه ژاپن شکست را پذیرفت و رسماً اعلان کرده بود که تسلیم شده است، و اسلحه‌ها را زمین گذاشته بودند، دشمنان امروز ملت ایران، بدون توجه به اعلان تسلیم ژاپن، به مردم این کشور، ((تأکید می‌کنم، به مردم این کشور)) حمله اتمی کردند.

میدانید چرا؟

برای اینکه آنان را وادار کنند «کاپیتولاسیون» یعنی مصونیت قضائی اتباع آمریکا را بپذیرند. و حالا، آمریکائی‌ها، در ژاپن «مصونیت قضائی» دارند.

کاپیتولاسیون یا همان «مصونیت قضائی» یعنی؛ اگر یک آمریکائی با تیربار وارد یکی از خیابان‌های ژاپن شود و مردم آن کشور را به رگبار ببندد، پلیس و دستگاه قضائی ژاپن حق دخالت و بازداشت او را ندارد.

فقط می‌توانند، به سفارت آمریکا نامه بنویسند و جنایت آن آمریکائی را گزارش بدهند و حکومت آمریکا اگر دلش خواست او را از ژاپن به آمریکا برگرداند.

کما اینکه، همین الان هر سال چند نوبت رسانه‌های ژاپنی، گزارشی از تجاوز نظامیان آمریکائی - که بعد از تحمیل کاپیتولاسیون، برای حفاظت از آن در ژاپن مستقر هستند- آنان به زنان و دختران ژاپنی منتشر می‌کنند، اما حکومت ژاپن، حتی حق بازداشت جنایت کاری که به ناموس‌شان تجاوز کرده را ندارد.

بله؛ این، آن چیزی است که ملت ایران برایش قیام کرده و آن را از آمریکا گرفته است و اکنون آن‌ها تلاش می‌کنند این ملت را از پشت سر رهبران‌شان به عقب برانند و دوباره آن جنایت و تحقیر بزرگ را در ایران تکرار کنند.

لذا، از هر وسیله‌ای برای رسیدن به این منظور استفاده می‌کنند.

آری، از هر وسیله‌ای،

هر جا راه را باز ببینند استفاده می‌کنند.

حتی ممکن است روزی، روزنه‌ای بسوی من پیدا کنند و مرا به وسیله‌ای برای فریب ملت تبدیل کنند.

این، آن چیزی است که باید مراقبش باشیم.

* یکی از ابزارها دشمن

من معتقد هستم که بیشتر دزدی‌ها، مخصوصاً رقم‌های بزرگ، توسط همین دشمنان ملت، سازمان دهی می‌شود و با استفاده از طمع افراد ضعیف‌النفس به اجرا گذاشته می‌شود.

انشا الله روزی این مسئله برای مردم روشن شود.

آری؛

۱- ما بخواهیم یا نخواهیم در جنگی ناخواسته، با کسانی هستیم که انسانیت همانقدر برایشان مهم است که در یک لحظه با انداختن یک بمب اتم، بیش از صد هزار نفر انسان بی گناه، و شاید بی خبر از همه جا را نابود می‌کنند و بعد، با پروتئوئی و وقاحت تمام از حقوق انسان حرف می‌زنند.

۲- پس باید مراقب همان‌هائی باشیم که دزدی‌ها را سازمان‌دهی می‌کنند و بعد از مدتی با قربانی کردن یکی از مهره‌هایشان، خودشان اسباب افشا شدن دزدی انجام شده را فراهم می‌کنند.

* یک سوال و پاسخ:

شاید بپرسید: چرا باید خودشان بدزدند و خودشان افشا کنند؟!

پاسخش این است:

برای اینکه ذهن مردم را پُر کنند از نوع سوال‌ها و از این طریق مردم را در ادامه مسیر بحق‌شان دلسرد کنند و از صحنه حمایت از انقلاب اسلامی خارج کنند.

۳- پس مراقب باشیم

زیرا کسانی با من و شما دشمن هستند که در این کشور «کاپیتولاسیون» داشته‌اند و برای برگرداندن دوباره آن، از همه ابزارها استفاده می‌کنند.

دزد پرورش می‌دهند، فیلم می‌سازند، دروغ می‌بافند و همه و همه این رفتارها برای این است که «مردم را دلسرد کنند و از صحنه حمایت از انقلاب اسلامی خارج کنند»

اما، مردم می‌دانند که همیشه تاریخ افرادی ضعیف‌النفسی بوده‌اند که دامن حکومت‌های صالح را آلوده می‌کرده‌اند. نهج البلاغه، پُر است از توبیخات امام علی علیه السلام از کسانی که در طول حکومت حدود چهار ساله آن حضرت به بیت‌المال دست‌داری کرده‌اند.

و تاریخ آینده، پُر خواهد شد از اعدام دزدان بیت‌المال، در نظام اسلامی ایران.

* یک نکته جالب

ژاپنی‌ها، که امروز اسیر «کاپیتولاسیون» آمریکائی‌ها هستند، بعد از اینکه مورد حمله اتمی قرار گرفتند و بیش از صد هزار کشته دادند، تن به خفت کاپیتولاسیون دادند و ...

اما

اما

اما

شاه بزدل و بی عرضه ایران، فقط با اخم آمریکائی‌ها تن به این خفت داد.

شاه دنیاپرست و ریاست پرست ایران، فقط با تشر پنهانی آمریکائی‌ها، ملت بزرگ ایران را در مقابل آمریکائی‌ها این چنین تحقیر کردند و ...

تا اینکه امام خمینی به عنوان مظهر غیرت ملت ایران، از ماجرا اطلاع یافت و با مطالعه متن صورت مذاکرات مجلس، به جزئیات آن آگاه شد. به جوشش آمد و بلافاصله مراجع و علمای قم را به تشکیل جلسه هفتگی فرا خواند و با ارسال تلگرام و پیک‌هایی علمای سایر شهرها را در جریان امر قرار داد.

و پس از در یک سخنرانی در منزل خودشان که جمعیت کم نظیری در آن اجتماع کرده بودند پس از ذکر مقدمه‌ای، ضمن شرح لایحه کاپیتولاسیون که در مجلس به تصویب رسید نتایج سیاسی - اجتماعی آن را با ذکر مثال‌هائی این چنین خاطر نشان ساخت:

«اگر یک خادم آمریکائی یا یک آشپز آمریکائی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پای خود منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق محاکمه ندارند! ... باید پرونده به آمریکا برود و در آنجا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند... دولت [ایران] با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگ‌های آمریکائی پست‌تر کردند! .. چرا؟! برای اینکه می‌خواستند وام بگیرند آمریکا خواست که این کار انجام شود.»

و در ادامه این سخنرانی آن امام والامقام بود که ملت ایران قیام کرد و توی دهن دهنده و گیرنده کاپیتولاسیون زد. همان قیامی که اگر مردم ژاپن از رهبری مثل امام خمینی(ره) برخوردار بود، قیام می‌کرد و خودش را از این خفت نجات می‌داد. اکنون جای این سوال است:

آیا ممکن است که «کسانیکه دنبال کاپیتولاسیون هستند»، مردمی مثل مردم ایران را با داشتن چنین ملتی و چنین رهبری و چنین قیامی، بحال خود بگذارند؟

این آن چیزی است که باید مراقبش باشیم.